

## واکاوی دیپلماسی و نقش آن در ساختار قدرت ملی ایران

فریبرز احمدی دهکاء<sup>۱</sup>، حمیرا اعتمادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور، هشتگرد.

نام نویسنده مسئول:

حمیرا اعتمادی

### چکیده

دیپلماسی در واقع مجری سیاست خارجی در چارچوب دکترین سیاست خارجی هر کشور است. با ظهور و گسترش رسانه‌ها و شکسته شدن اسطوره جغرافیا، تحول مفهومی شگرفی در شکل و معنای دیپلماسی پدیدار شده است. امروزه فرایند جهانی شدن وجوه گوناگونی دارد که بر تمامی جنبه‌های زندگی بشر تأثیرات بسیار زیادی داشته است که حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی نیز از این تحولات مستثنی نبوده است. این مقاله درصدد تبیین واکاوی دیپلماسی و نقش آن در ساختار قدرت ملی ایران می‌باشد. نتایج به دست آمده از تحقیق بیانگر آن است که روی آوردن به دیپلماسی مطلوب و منفعت محور که به تأمین قدرت ملی می‌پردازد، نیازمند تصمیم‌گیری در سطح کلان و آگاهی از جهان پیرامونی و هدایت بخش‌های غیردولتی به منظور تولید و تأمین ثروت اقتصادی می‌باشد و دولت جمهوری اسلامی منطبق بر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌تواند با بهره‌گیری از فرصتهایی که جهانی شدن در اختیار کشورها قرار داده، قدرت ملی کشور را افزایش داده و امنیت ملی را با استفاده از ابزار دیپلماسی در خارج از کشور و رفاه عمومی در داخل تأمین نماید.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی، سیاست خارجی، قدرت ملی ایران، جهانی شدن،

رفاه عمومی.

## مقدمه

مفاهیم قدرت ملی و منافع ملی از محوری ترین و بنیادی ترین مفاهیم علم سیاست و روابط بین الملل به شمار میروند. در فرمول بندی مفهوم قدرت ملی به عنوان یک کلیت، همواره ربط وثیق فی مابین اجزای آن و تأثیر و تأثر متقابل بین عوامل قدرت مد نظر بوده است. امروزه در عصر آکواریومی شدن جهان و غالب شدن سیاست اندیشه مند و شبکه ای که از قابلیت تبیین بیشتری نسبت به سیاست واقعی در مورد تحولات حادث در عرصه بین المللی برخوردار است، در قالب قدرت هوشمند، اجزای سخت افزاری و نرم افزاری قدرت چنان در هم آمیخته و کارکردشان موکول به یکدیگر شده که در این راستا مؤلفه هایی چون دیپلماسی که از جلوه های چندوجهی برخوردار است، نقشی محوری را در ارتقای قدرت ملی کشورها و در سلسله مراتب هرم قدرت جهانی ایفا می نمایند. در این راستا سؤالی که اساس موضوع و دغدغه اصلی مقاله می باشد، این گونه مطرح میشود که دیپلماسی چه تأثیر و نقشی در ارتقای قدرت ملی کشور ایران در عصر جهانی شدن ایفا میکند و این تأثیر به چه نحوی میباشد؟ به دیگر سخن و در قالب سؤال های فرعی، این مهم و دغدغه این گونه بسط و تعمیم مییابد که آیا دیپلماسی ایران با مقتضیات و ظرف زمانی و مکانی تحولات جاری منطبق بوده و از پویایی و تحرک لازم برخوردار است؟ جایگاه عناصری همچون تعامل در قالبها و اشکال مختلف در دیپلماسی به چه نحو است؟ در پاسخ به سؤال اصلی فرضیه مقاله را اینگونه میتوان بیان داشت که امروزه دیپلماسی نسبت به گذشته با توجه به مؤلفه ها و مقتضیات عصر جهانی شدن (تحولات عرصه IT، اقتصاد نوظهور جهانی، ظهور اکوپلیتیک امنیت ملی و رقابت پذیری) و در صورت تسهیل حضور بازیگران غیردولتی در عرصه جهانی و گسترش فضای رقابتی و روی آوردن به تولید و انباشت ثروت ملی، تأثیر زیادی در ارتقای قدرت ملی ایران خواهد گذاشت. با توجه به تدوین و ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله کشور و تعیین اولویتهای دیپلماسی ایران و این امر که شرط لازم برای توسعه یافتگی و ارتقای توان ملی کشور، تقویت و نتیجه محور کردن سیاست خارجی فرض شده و در صورت اجرای دقیق و توأم با ابتکار و انسجام لازم این اولویتهای، میتوان از پارادوکس قدرت تحقق نیافته اجتناب نمود. همچنین با مد نظر داشتن مدیریت جدید جهانی و حضور خردمندان در عرصه رقابت جهانی و گسترش بازیگران غیردولتی از یک سو و از طرف دیگر اتخاذ دیپلماسی هدف محور و تمیز بین میتوان در راستای اهداف کشور و ارتقای قدرت ملی گام برداشت. باید در نظر داشت که همبستگی مفهومی بین «امنیت و توسعه» و تأثیر سیاست داخلی و مؤلفه های قدرت درونی بر سیاست خارجی یک کشور امری مفروض و روشن است که در واقع دال بر این است که سیاست خارجی به نوعی ادامه سیاست داخلی است و تأثیر و تأثر متقابل فی مابین عوامل قدرت و گذر از فضای امنیتی به فضای ماورای امنیتی از مؤلفه های مهم روی آوردن به چنین سیاستی میباشد.

## چارچوب نظری

با توجه به اینکه امروزه جابهجایی میان سیاست اعلی و سیاست ادنی رخ داده، تحلیل اکوپلیتیک امنیت ملی جای تحلیل ژئوپلیتیکی را گرفته و مفروض همبستگی «امنیت و توسعه» جایگاهی خاص را در ایستار تصمیم گیران و سیاست گذاران پیدا نموده و از دید بسیاری از صاحب نظران، موتور محرکه و سرچشمه پویاییهای فرایند جهانی شدن در حوزه اقتصاد جهانی نهفته است. رویکرد و محور عمده مباحث با توجه به موارد فوق پردازش می گردد و در این راستا رویکرد اقتصاد سیاسی بین الملل که تأثیر و تأثر دو حوزه سیاست و اقتصاد را وجهه همت خود قرار داده و به تعبیر گیلپین برابر با واکنش پویایی تعقیب قدرت در روابط بین الملل است، به دلیل جامع بودن و برخوردار نمودن محقق به نگاه و دید انتقادی برای تبیین مباحث انتخاب شده است. در واقع IT و اقتصاد دو حوزه و متغیری هستند که به شدت بر دیپلماسی و چگونگی کارکرد آن تأثیر گذارده و انواع جدیدی از دیپلماسی را پدیدار ساخته و زاویه دید بازیگران عرصه دیپلماسی را به شیوه های بنیادین دچار دگرگونی نموده اند. دامنه این دگرگونیها و فرصتها و چالشهای برخاسته از آن به گونه ای بوده که در مورد رابطه اقتصاد و سیاست خارجی بیش از نیم قرن است که اقتصاد نه تنها روی دیگر سکه سیاست خارجی است بلکه در مورد بعضی از کشورها مترادف با سیاست خارجی گردیده است. در واقع در بررسی رابطه اقتصاد و سیاست خارجی که تو در تو، چند لایه و چندوجهی است، این پرسش به وجود می آید که رابطه اقتصاد، سیاست خارجی و جهانی شدن چگونه است؟ و چگونه پدیده جهانی شدن اقتصاد بر سیاست خارجی باید مورد مطالعه قرار گیرد؟ «مهمترین عامل قدرت ملی، کیفیت و نحوه به کارگیری دیپلماسی است. هرچند که عاملی بی ثبات میباشد و میتوان گفت که سایر عوامل تعیین کننده قدرت ملی به منزله مواد خامی هستند که قدرت ملی از آن به وجود می آید. دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است، همان گونه که روحیه ملی نیز، روح آن است. دولت ها باید به کیفیت دیپلماسی خود به عنوان کاتالیزوری برای عوامل مختلفی که قدرت آنها را تشکیل می دهد، متکی باشند. اتکا بر سنت و نهادها، به جای تکیه بر ظهور گاه و بیگاه افراد برجسته، تداوم کیفیت دیپلماسی را به بهترین نحوی تضمین میکنند.» (سیف زاده، ۱۳۸۴ : ۲۲۰) (محققین توسعه صلح آمریکا عقیده دارند که «انقلاب عظیم بعدی در عرصه دیپلماسی رخ خواهد داد. ایالات متحده از دهه شصت، انقلاب در امور بازرگانی را تجربه کرده و از اواخر دهه هفتاد انقلاب در امور نظامی را شاهد بوده است و اینک زمان انقلاب در عرصه امور دیپلماتیک فرا رسیده است. (بیات، ۱۳۸۵ : ۱۰۶) عصر اطلاعات، دیپلماسی کلاسیک را که مبتنی بر سیاست واقعی و قدرت سخت بود، دچار چالش کرده و لذا دیپلماسی نوینی مبتنی بر سیاست اندیشه مند در حال شکل گیری است. شکل

گیری فضای مجازی، فضای اندیشه و فضای اطلاعات بازتاب تحولات و تغییرات تکنولوژیک، نهادی و هنجاری در عصر سیاست جهانی است. (وحیدی، ۱۳۸۶: ۳۶۲) هر کشوری با وفق دادن دیپلماسی خود در این عرصه پراگزینه و به شدت رقابتی سعی در به دست آوردن بیشترین بهره را دارد که کشور ایران با در نظر گرفتن این تحولات عظیم در عرصه جهانی که البته نیازمند اتخاذ سیاست هوشمند و آگاهانه می باشد، نمی تواند نسبت به این مسائل حتی به منظور بقای خود بی تفاوت باشد تا چه رسد به اینکه بخواهد قدرت ملی خود را در عرصه رقابت تنگاتنگ بین فناوری، اقتصاد و منافع، ارتقا بخشد. مفهوم قدرت: قدرت از جمله مفاهیم محوری و اساسی است که در کانون نظریه پردازیهای علم سیاست و روابط بین الملل قرار دارد. به رغم تاریخ طولانی اهمیت قدرت در روابط بین الملل، اکثر محققین هم در مورد نقش قدرت و هم طبیعت آن اختلاف نظر دارند. به تعبیر صاحب نظران، قدرت از جنبه مفهومی از جمله مفاهیم مبهمی بوده که به تعداد افرادی که راجع به آن غور و تفحص و اندیشه ورزی نموده اند، نظریه و دیدگاه وجود دارد. فرانسوا پوریکو تأکید دارد که قدرت در شکل سیاسی اش مهیب ترین معما را مطرح میکند و دارای ماهیت تناقض نماگونه می باشد. مفهوم قدرت از منظر محققین روابط بین الملل به گونه های متفاوتی تقسیم بندی شده است. ریموند دوال و میشاییل، نهادی بارنت در کتاب «قدرت در عرصه بینالملل» چهار نوع قدرت اجباری، ساختاری و مولد را شناسایی (Duell, 2005 Micheal Barnett and Reymond) اند کرده لیفین در کتاب «تکنولوژی اطلاعاتی و تغییر دامنه قدرت جهانی» بر اهمیت فرا قدرت در عصر کنونی تأکید کرده است. بالدوین در کتاب راهنمای روابط بین الملل به قدرت رابطه ای و قدرت عناصر ملی اشاره نموده است. همچنین قدرت نرم و قدرت سخت توسط جیمز روزنا در کتاب «قدرت نرم» بررسی شده و ژوزف نای نیز مقالات و کتب متعددی راجع به قدرت نرم و اثراتش به رشته تحریر در آورده است. در زیر به مفهوم قدرت هوشمند به عنوان مفهومی محوری و بنیادین از قدرت اشاره میشود.

### قدرت در عصر جهانی شدن

میتوان گفت با گسترش فراتکنولوژیها و تشدید شبکه های اطلاعاتی و اهمیت جامعه جهانی، اطلاعات، دانش و هنجارها نه تنها به شکلی از قدرت تبدیل شده، بلکه بر نحوه استفاده از دیگر اشکال قدرت نیز سلطه یافته و ساز و کار و اعمال آنها را تغییر داده است. عرصه سیاست بین الملل به پایان مدل ایستا و نیوتنی نزدیک می شود که در آن، دولتها به عنوان بازیگران یکپارچه و خودمحور در چارچوب قواعد تعیین گریانه در درون سیستم عمل می کردند. محیط جدید بین الملل به مدل مکانیک کوانتومی با بازیگران متعدد نزدیک می شود که بسیار پویا و پیچیده است و نیروهای غیرمادی در آن تغییر ایجاد می کنند. (وحیدی، ۱۳۸۶: ۷۰۶)

#### قدرت ملی

تعریف مؤسسه رند از قدرت ملی عبارت از ظرفیت و قابلیت یک کشور برای تعقیب اهداف راهبردی خود از طریق سیاست های هدفمند است. این نگرش دو بعد مجزا ولی مربوط به هم ظرفیت را نشان می دهد.

۱. ظرفیت خارجی که شامل ظرفیت کشور در تأثیرگذاری بر محیط بین الملل از طریق پتانسیلهای اقتصادی و سیاسی است.
  ۲. بعد داخلی که شامل ظرفیت یک کشور در تبدیل منابع جامعه به دانش قابل اجرایی است که بهترین فناوری نظامی و غیرنظامی را تولید می کند. (تلیس و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۵) در بحث میانایی و سرچشمه های قدرت ملی از دید مارتین گلاسنر یکی از عوامل قدرت ملی، روابط خارجی است که تجارت بین الملل روابط فرهنگی، مشارکت در توزیع و انتقال ذخایر توسعه، مشارکت در سازمان ملل و سایر سازمانهای بین المللی و موقعیت و پرستیژ بین المللی را در بر می گیرد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۶۹)
- در بررسی ابعاد قدرت ملی، یکی از این ابعاد، به مثابه ابزاری در کنار ابعاد دیگری چون دامنه، وزن و هزینه عمل میکند، و یکی از ابزارهای مختلف برای اعمال قدرت، ابزار دیپلماتیک است که با تغییر محیط بین الملل و شکل گیری عرصه سیاست اندیشه مند در نتیجه توسعه فراتکنولوژیها بر اهمیت دیپلماسی، دستاوردهای همکاری و سیاست اقلان سازی در روابط بین الملل نسبت به دیگر ابزارهای قدرت افزوده شده است. (فرانکل، ۱۳۸۲: ۱۴۴ و ۱۴۵) در بحث اولویتها و غلبه هر کدام از اجزای تشکیل دهنده قدرت ملی جامع و فراگیر در عرصه سیاستگذاری و در ایستار تصمیم گیران، می توان این گونه بیان داشت که رویکرد قدرت ملی در فضای جهانی - شدن از نظامی، سیاسی و اقتصادی به رویکرد اقتصادی، سیاسی و نظامی تغییر یافته و این جابه جایی، خود در حوزه های سیاست اعلی و ادنی را نشان میدهد.

### جهانی شدن

از دید صاحب نظران پدیده جهانی شدن، هزار توی پرتناقضی را به معرض نمایش می گذارد که به محض انتخاب یک زاویه از آن، از واقعیت نهفته در آن دور گشته ایم به این دلیل که واقعیت جهانی شدن در کنه و بطن خود هزاران زاویه دارد که ما به آنها بیتوجه بوده ایم. گروهی جهانی شدن را علت العلل بحرانهای حادث در صحنه جهانی تلقی و از سوی دیگر برخی آن را راه حل کلیه مسایل مبتلا به جامعه

بشری قلمداد مینمایند. به زعم صاحب نظران، پدیده جهانی شدن به گونه ایست که با «یک جهانی شدن واحد» مواجه نمی باشیم بلکه با «جهانی -شدن های بی شمار» مواجهیم. به هر ترتیب یقیناً هیچ فهم واحدی از ایده جهانی شدن وجود ندارد. در رویارویی با جهانی شدن، توانایی، سازماندهی، رقابت پذیری و فعالیت قابل توجه یک واحد سیاسی و در کل کیفیت بازیگری دولتها نقش به سزایی داشته و در واقع کشورهایی که پروژه خود را در برابر فرایند جهانی شدن تدوین، طراحی و تعریف کرده باشند، گامهای مهمی را در این مواجهه برداشته اند و همواره سیاست خارجی و دیپلماسی و چگونگی پیریزی و اجرای آن از جایگاهی بنیادین در راهبردهای فرا ملی برخوردار بوده است.

### دولت توسعه گرا و سیاست خارجی توسعه گرا

اگر چه تعاریف بسیاری از دولت توسعه گرا ارایه شده اما همه تعاریف مشابهت های بسیاری با هم دارند و بر ویژگیهای یکسانی پا می فشارند. آمیاکومارباغچی در تعریف دولت توسعه خواه در عرصه جهانی می نویسد: دولت توسعه خواه دولتی است که توسعه اقتصادی را بالاترین اولویت و خط مشی حکومتی قرار داده و میتواند زیرساختهای مؤثر پیشبرد چنین هدفی را ایجاد کند. چنگ نیز دولت توسعه خواه را دولتی تعریف میکند که اهداف بلندمدت رشد و تغییرات ساختاری را مورد توجه قرار میدهد و در عین حال از نیروی لازم برای ایجاد و تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی لازم برای صنعتی سازی برخوردار است. (ایوانز، ۱۳۸۲: ۲۳۱) لت این امر که چرا برخی دولتها و کشورهای در حال توسعه نخواستند و یا در واقع نتوانستند اند روش نوین سازی توسط دولت را تعقیب کنند، آن است که آنها دولتی توسعه مدار که کلید موفقیت اینگونه نوین سازی است، نبوده اند. دولت توسعه گرا سیاست خارجی توسعه گرا را نیز ایجاب می کند. سیاست خارجی که اولویت دیپلماسی ایران در سند چشم انداز بیست ساله است و شرط لازم برای توسعه یافتگی و ارتقای توان ملی کشور می باشد، نیازمند تعیین برخی اولویتها در سیاست خارجی میباشد. نوعی سیاست خارجی برونگرا، کنشگر (فرصت طلب) یا کنش مند (فرصت ساز) که انفعالی و فرصت سوز نمی باشد. از سوی محققان سیاست خارجی برونگرای- تعاملی گزینه ای بهینه به عنوان ابزار دولت توسعه گرا پنداشته می شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲، ۱۲۶-۱۲۳)

### چگونگی تعامل و انطباق سیاست خارجی توسعه گرا در عرصه بین الملل

در راستای بحث دولت توسعه گرا و در چارچوب مؤلفه های تبیین کننده آن، بحث عناصر تعامل و انطباق در سیاست خارجی توسعه گرا در ذیل می آیند. مفهوم سیاست خارجی توسعه گرا را باید در زمره مفاهیمی قرار داد که تعریف آن سهل و ممتنع است. دو عنصر تعامل و انطباق را میتوان کانون، محور و موتور محرکه سیاست خارجی توسعه گرا قلمداد نمود. «منظور از تعامل نه تقلید و انفعال است و نه حریم جستن در سنگرهای سنتی، زیرا در شرایط کنونی، هیچ یک شایستگی، دوام و بقا ندارند.» (قادری، ۱۳۸۶: ۱۱۵) ویژگی رویکرد تعاملی آن است که نه منفعل و نه فعال (تهاجمی) باشد بلکه به صورت همکاری و تفاهم دوسویه و سازنده عمل کند زیرا تعامل مشترک برای همه منافع مشترک داشته و در مقابل زیاده خواهی و زورگویی، رویکردی پیشگیرانه به صورت کنشی دارد. اما در شرایط متعادل و متوازن با روش بازی برد- برد و حداکثرسازی منافع طرفین تلاش می نماید. (مبینی و رضایی، ۱۳۸۵: ۶۴۹) کشورهای که بر سیاست همکاری حتی با مخالفان خود روی میآورند، دستاوردهای بیشتری کسب میکنند. راهبرد ملی و قدرت کشورها کمتر بر مبنای منازعه در رویارویی با مخالفان و مبتنی بر همکاری در عین رقابت می باشد. (وحیدی، ۱۳۸۶: ۳۶۶) حتی قویترین و توسعه یافته ترین مدل جهان در صورت دوری از کانالهای جهانی، رفته رفته قدرت خود را از دست داده و با افت استانداردهای زندگی مواجه می شود. (فاخری، ۱۳۸۲: ۱۳۴) امروزه فرایند جهانی شدن را نه میتوان مثبت و نه منفی تلقی کرد بلکه باید آن را نوعی انطباق تلقی نمود که این فرایند به توان انطباق کشورها با شرایط جدید وابسته است و درجه انطباق و تعدیل تابعی از قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی می باشد. (سریع القلم، ۱۳۸۴: ۲۶ و ۴۶) از نظر هانتینگتون منظور از تطبیق، توانایی نظام سیاسی برای برخورد با دگرگونیهای جدید است. حال با تمهیداتی که در بالا ذکر شد از یکسو و در نظر داشتن این گزاره که محیط بیرونی، به ویژه محیط منطقه ای جمهوری اسلامی ایران محیطی پیچیده و پر از تناقض است، این سؤال مطرح میشود که آیا در ایران الزامی برای پیگیری این نوع سیاست خارجی (توسعهگرا) وجود دارد یا خیر؟ مروری بر اصول قانون اساسی، برنامه های توسعه و سند چشم انداز بیست ساله حاکی از آن است که دولت کنونی و دولتهای آینده ایران ناگزیر از آن هستند که برای تحقق اهداف تصویرشده در این سند، تن به اجرای سیاست خارجی توسعه گرا دهند. همچنین الگوی تعامل برتر منطقه ای، رکن محوری اهداف سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران بوده و همچنین یکی از پایه های اصلی «راهبرد بلندمدت سیاست خارجی کشور» که برآیند و یا حلقه اتصال پنج رکن راهبردی سیاست خارجی به شرح زیر است، میباشد.

۱. سیاست تعادل نسبی میان تقابل و کنترل چالشهای ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران؛

۲. سیاست مهار تهدید و کنترل توسعه طلبی رژیم صهیونیستی؛

۳. سیاست تعامل موازنه سازنده با اتحادیه کشورهای محور اروپایی؛  
 ۴. سیاست توسعه منافع و مشترکات امنیتی، اقتصادی و سیاسی با کشورهای محور شرقی روسیه، چین، هند، مالزی، اندونزی و ...؛  
 ۵. سیاست «معتد مشترک» بلوک بینالمللی اسلامی. (اکبری، ۱۳۸۸: ۳۹۹)

اما صاحب نظران منتقد در عمل برخی سیاستهای در پیش گرفته شده را در تعارض با شاخصه ها و مؤلفه های مفهوم تعامل قلمداد نموده و عقیده دارند که ائتلافهای ملی گرای دولت-محور که برعکس، بر الگوهای جایگزینی واردات، و برنامه های پوپولیستی کلاسیک، خود بسندگی اقتصادی و خود اتکایی تمام عیار تأکید می ورزد، از سیاست خارجی همکاری جویانه حمایت و استقبال نمی کند. زیرا به نظر سولینگن، این نوع سیاست خارجی، مشروعیت و منافع داخلی را تضعیف و خدشه دار می سازد؛ در حالی که برعکس، سیاست خارجی تقابلی، زیست-پذیری و استمرار حاکمیت آنها را فراهم می سازد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۳ و ۱۲۴) این صاحب نظران سه نوع رویکرد در سیاست خارجی را در قالب رهیافت تعاملی بر می شمرد: ۱- برونگرایی برون نگر؛ ۲- برونگرایی درون نگر؛ و ۳- درون گرایی برون نگر. به زعم سولینگن در عصر جهانی شدن، سیاست خارجی تعاملی چند جانبه گرا بهتر می تواند به تحقق توسعه کمک نماید و خلاء سیاست خارجی برون گرای تعاملی که ماهیتی تعاملی دارد و حد واسط تقابل و تقارب قرار میگیرد را در سیاستگذاری و راهبردپردازی دستگاه دیپلماسی ایران قابل ذکر و اشاره می دانند. (همان: ۱۳۴)

### دیپلماسی

یکی از عناصر اصلی قدرت دولتها، همکاری با بازیگران غیردولتی و فضاهای اطلاعاتی و مجازی است که جامعه مدنی جهانی را تشکیل میدهند. در جهان متغیر و متحول کنونی، کشورها معمولاً در چارچوب گفتمان بین المللی نوین رفتار کرده و منافع ملی خود را منطبق با آن تعریف می کنند. جهان متحول شده، دیپلماسی متحول را نیز می طلبد. دیپلماسی ایستا در جهانی پویا ناکارآمد و ناموفق خواهد بود. به طور کلی سه نوع دیپلماسی برای کشورها می توان متصور بود که شامل کنش مند، فعال و منفعل است. در دیپلماسی کنش مند، کشورها درصدد تعریف بازی، تدوین قواعد و صحنه آرایبی بین المللی در جهت استقرار نظم مطلوب خود هستند. براساس دیپلماسی فعال، کشورها در پی استفاده بهینه از فرصتهای به وجود آمده در راستای منافع و اهداف ملی خود می باشند. اما در دیپلماسی انفعالی، واکنش منفعلانه به رویدادها و رفتارهای بین المللی به صورت موردی و روزمرگی است. دیپلماسی کارآمد بر پایه تبدیل منافع متعارض به منافع رقابت آمیز و تبدیل این منافع به منافع موازی و سپس به منافع مشترک، تدوین و اعمال می شود. یعنی در این نوع دیپلماسی با معیار قراردادن منافع ملی در سیاست خارجی، دشمن را به مخالف، مخالف را به رقیب، رقیب را به همکار و همکار را به شریک تبدیل مینماید. در ایران، بر لزوم داشتن دید حداکثری به منافع ملی با توجه به قدرت و مقدرات ملی از سوی صاحب نظران و اولویت بندی آن براساس درجه ضرورت، فوریت، اهمیت و تخصیص منابع به صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تأکید شده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۰) امروزه در عرصه سیاست بین الملل از یک سو شاهد ترکیبی از همزیستی مدل دولتهای پست وستفالیایی و دولتهای قرون وسطایی در سیستم بین المللی هستیم و از سوی دیگر یک جنبه مهم از دیپلماسی، دولت زدایی از آن است. دیپلماسی مؤثر در چنین فضا و اتمسفری نیازمند انجام تغییرات در نهادها، روشها و ابزارها و کارکردها می باشد. همچنین مستلزم همکاری با بازیگران در محیط جدید بین المللی و ایجاد ساختارهای کارآمد و منعطف می باشد. (وحیدی، ۱۳۸۶: ۳۶۸ و ۳۷۳) دیپلماسی به عنوان و سیل های برای تحقق دولت کارآمد، در برگیرنده ویژگیهایی چون شایسته سالاری، دیپلماسی مبتنی بر همکاری، دوری از انفعال و انطباق با شرایط می باشد. (سیم بر، ۱۳۸۵: ۱۸۴) به هر حال دیپلماسی مهمترین وجهه و عینی ترین شکل سیاست خارجی یک کشور می باشد. در این قسمت به اشکال نوین دیپلماسی که امروزه ظهور و بروز عمده و تجلی بیشتری یافته اشاره می شود.

### انواع دیپلماسی

**دیپلماسی عمومی:** دیپلماسی عمومی یا مردمی را میتوان پایه انواع دیپلماسی هایی دانست که با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات و به تناسب پیشرفت نوآوریهای آن، با اصطلاحاتی ترکیبی متشکل از نام آن فناوری و یا نرمافزار همراه با دیپلماسی مطرح میگردد. وجه تمایز اصلی انواع دیپلماسی عمومی از **دیپلماسی سنتی:** در نوع ارتباط با مردم و استفاده از وسائل تبلیغی است. یعنی دیپلماسی عمومی از ابتدا با مردم، تشکل های عمومی (شهرداری ها و...) و سازمانهای غیردولتی سروکار داشته و فعالیتهای آن محدود به نظرات دولت نیست .

**دیپلماسی شبکه ای:** این نوع دیپلماسی عبارتست از آمیزهای از دیپلماسی سنتی که در آن دیپلماتها با مقامات عالی رتبه و رهبران کشور میزبان یا سایر کشورها کار می کنند و به هر حال دیپلماتها مستقیماً با شهروندان خارجی سروکار دارند.

**تله دیپلماسی** : این نوع دیپلماسی هم اینک به عنوان یک جنبه کلیدی در محیط سیاسی دیده میشود که بر نتایج و نیز فرایند سیاست خارجی اثر میگذارد که در نتیجه توانایی پاسخگویی سریع به جریان شتابنده اتفاقات یکی از شاخصه های اصلی در ارزیابی قابلیت تعامل با دیگران بوده و در سازمان و عملکرد سیستمهای ملی در دیپلماسی منعکس می -گردد .

**دیپلماسی مجازی: Public Diplomacy Net Diplomacy Tele Diplomacy Degovernmentalization Virtual Diplomacy** این شکل از دیپلماسی اقدامات دیپلماتیک از راه دور و انجام امور مربوطه را بدون استقرار در سفارتخانه های خارجی در بر می گیرد.

**دیپلماسی دیجیتال**: این نام نیز به فهرست سنتی و طولانی سابق شامل عناوینی همچون دیپلماسی کشتی جنگی، دیپلماسی دلار، دیپلماسی آرام، دیپلماسی شاتل، دیپلماسی پینگ پنگ و جدیدتر از همه دیپلماسی عمومی اضافه میگردد. ویژگی آن ارتباط چندین جانبه است. در این روش امکان دریافت نظرات، سازماندهی و هدایت نیز وجود دارد. تفاوت آن با دیپلماسی شبکه ای در اینست که دیپلماسی شبکههای همان دیپلماسی سنتی است که در آن نقش دولت محدودتر بوده و تأکید اصلی بر بهره مندی از امکانات شبکه ای در فعالیت دیپلماتیک است. در دیپلماسی دیجیتالی تأکیدها بر شرایط محیط بین الملل حاصل از تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباط میباشد. (بیات، ۱۳۸۵ : ۴۲، ۴۴ و

### دیپلماسی اقتصادی

بیش از نیم قرن است که اقتصاد نه تنها روی دیگر سکه سیاست خارجی است بلکه در مورد بعضی کشورها مترادف با سیاست خارجی گردیده است. به تعبیر یکی از فعالان اقتصادی، «امروزه امور سیاسی آغاز کننده کار اقتصادی است و همچنین اقتصاد باید پیوندهای سیاسی را استحکام بخشد». همچنین بحث سیاست در خدمت اقتصاد یا اقتصاد در خدمت سیاست و اولویتهای هر یک مطرح میباشد. به ویژه با گسترش ارتباطات و اطلاعات، هزینه کنار ماندگی از قافله جهانی به شدت افزایش یافته و ارتباط بین سیاست خارجی و توسعه اقتصادی بسیار نزدیک شده است و رابطه اقتصادی به مثابه چسب روابط سیاسی عمل مینماید. مذاکرات تجاری از اهمیتی معادل مذاکرات خلع سلاح برخوردار گردیده و دیپلماسی تجاری جای دیپلماسی سنتی را گرفته است. هارتریش در کتاب «فرصت آمریکایی» استدلال می کند که «سیاست اقتصادی که به نظر وی به معنای قدرت اقتصادی است و نه سیاست اکولوژیکی، جایگزین ژئوپلیتیک مبتنی بر قدرت نظامی شده است.» (اطاعت، ۱۳۸۷ : ۹۶) جهانی شدن اقتصاد به شکل فزایندهای دیپلماسی اقتصادی را به سازهای مهم در سیاست خارجی تبدیل کرده به گونه ای که بسیاری از ادارههای روابط خارجی با بخشهای تجاری درهم آمیخته اند. جهانی شدن اقتصاد، همچنین ترسیم تمایز آشکار بین امور داخلی و امور بین المللی را دشوار ساخته است. مسائل اقتصادی جهانی تأثیر بسیاری بر مسائل داخلی داشته و در این فرایند، دیپلماسی اقتصادی، مسائل اقتصادی جهانی را نیز دربرمی گیرد. جهانی شدن اقتصاد دامنه و گونه -گونی دیپلماسی اقتصادی را نیز بسیار افزایش داده است به طوری که شمار کشورهای فعال در دیپلماسی اقتصادی افزایش یافته و هم اکنون در سراسر جهان گسترش پیدا کردهاند. در دوران جنگ سرد، نبود درگیریهایی نظامی یک کامیابی انگاشته می شد ولی در آغاز قرن بیست و یکم تعریف متفاوتی از کامیابی وجود دارد. کامیابی در این روزگار به وسیله هم کنشی از راه دیپلماسی اقتصادی با هدف بهسازی منافع اقتصادی کشور در فضای جهانی شده و رقابتی سنجیده می شود. (هارون الرشید، ۱۳۸۵ : ۱۳۹ و ۱۴۲ **Ecopolitic Hartrich (Open Regionalism)** اگرچه تعریف دقیقی از دیپلماسی اقتصادی در دست نیست، اما میتوان دیپلماسی اقتصادی را تنظیم و پیشبرد سیاستهای مرتبط با تولید، جابه جایی یا مبادله کالاها، خدمات، کار و سرمایه گذاری در دیگر کشورها تعریف کرد. یک مشخصه متمایز دیپلماسی اقتصادی این است که بخشهای خصوصی برای تأثیرگذاری بر مذاکره و با هدف باقی ماندن در بازار رقابتی جهانی یا منطقه ای در فرایند سیاستگذاری مشارکت می کنند. سطوح عمل دیپلماسی اقتصادی در سه سطح دو سویه، منطقه ای و چند سویه است. (همان: ۱۲۸) (تعاریف دیگری نیز که اجزا و کارکردهای دیپلماسی اقتصادی را نمایانگر می سازد، در ادامه در ذیل آورده خواهد شد. دیپلماسی اقتصادی یک موضوع تعیین کننده در راهبرد اقدام هر کشور در سطح بین المللی برای تحقق منافع ملی است. دیپلماسی اقتصادی به معنای فصل مشترک دیپلماسی و منافع اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی در واقع به مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد و به کارگیری تواناییهای بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشور می باشد و بدون روابط سیاسی مناسب با کشورها نمیتوان روابط اقتصادی گسترده را انتظار داشت (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۸) تعریف دیگری از دیپلماسی اقتصادی عبارتست از: «دیپلماسی اقتصادی به مجموعه ابزاری گفته می شود که برای ایجاد محیطی مناسب جهت رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.» دیپلماسی اقتصادی فصل مشترکی بین منافع اقتصاد ملی و منافع سیاسی هر کشور در سطح بین المللی، همچنین فن به کارگیری منافع و ابزار اقتصادی سیاسی است تا محیط اقتصادی و سیاسی مناسبی را برای ارتقای رشد و توسعه اقتصاد ملی فراهم آورد. (شیخ عطار، ۱۳۸۵، ۱۲) دیپلماسی تجاری، دیپلماسی یا سیاستی است که به اداره و هدایت روابط تجاری بین الملل به تجارت و سرمایه گذاری بین المللی در زمینه کالاها و خدمات میپردازد. به سخن دیگر، در دیپلماسی تجاری، کشورها با توجه به تواناییها و منافع ملی اقتصادی خود می کوشند تا در چارچوب راهبردهای ویژه (مانند راهبردهای جایگزین واردات یا توسعه صادرات) به هدف هایی ویژه و عملیاتی (مانند توسعه

صادرات یا جذب سرمایه گذاری خارجی) با به کار گرفتن ابزارهایی ویژه (چون ابزارهای تعرفه ای و غیرتعرفه ای) نائل شوند. بر پایه این تعریف، دیپلماسی تجاری از سه بخش تشکیل میشود: ۱- هدف؛ ۲- راهبردها؛ ۳- اجرا. همچنین دیپلماسی تجاری زنجیرهای از تجزیه و تحلیل ها، بسیج و سازماندهی و ائتلاف سازی، گفت و گو برای بستن و اجرای موافقت نامه های بین المللی در مورد مسائل مرتبط با بازرگانی می باشد که جهانی شدن و گسترش وابستگی متقابل گستره موضوعی یا دستور کار آن را توسعه بخشیده و هدف آن فراهم کردن بستر و زمینه لازم برای گسترش مناسبات سودمند اقتصادی با جهان خارج و هموار کردن مسیر جذب سرمایه گذاری و فناوری خارجی است. (بزرگی و عابدین، ۱۳۸۷: ۱۵۱) در نتیجه یکی از کارویژه های اصلی نمایندگی های دیپلماتیک در این راستا بازتعریف می شود که نتیجه دیپلماسی اقتصادی نیرومند، اقتصاد نیرومند، هماهنگ و توأم با عدالت اجتماعی است که از حکمرانی خوب پشتیبانی می نماید. میتوان تأثیر عوامل اقتصادی بر سیاست خارجی را از دو بعد توانمندی و نیاز هم بررسی نمود: کشورهایی که دسترسی کافی به شبکه های اطلاعاتی جهانی داشته و از منابع پیشرفته تری برخوردار باشند، می توانند به حد کافی کالاها و خدماتی را که دارای مزیت نسبی هستند، تولید و صادر نمایند و در تجارت جهانی نقش مناسبی داشته و از تسهیلات قابل توجهی در برنامه ریزی و اجرای سیاست خارجی خود برخوردار شوند. در حالی که کشورهایی که نتوانند شبکه های اطلاعاتی خود را گسترش دهند یا در تأمین نیازهای کالایی یا خدماتی خود ناتوان باشند، طبیعتاً با محدودیت بیشتری در سیاست خارجی مواجه اند. (فاخری، ۱۳۸۲: ۱۳۸) همچنین تغییر نگرش نخبگان برای بهره گیری از فرصتهای اقتصادی جهانی برای تحرک بخشی به اقتصاد داخلی موضوعی مهم است. در زیر مؤلفه هایی که اهمیت اساسی از نظر صاحب نظران در تکوین و شکل گیری یک دیپلماسی اقتصادی منسجم و موثر دارند و کمرنگ بودن آن به صورت نقیصه هایی در کارکرد دیپلماسی اقتصادی به چشم می خورد بر شمرده می شوند

۱. بهره گیری مطلوب از ابزارهای اقتصادی در چانه زنیها؛
۲. اجرای دقیق و هدفمند سیاست تنش زدایی؛
۳. حل مسائل و مشکلات موجود در روابط ایران و قدرت های بزرگ اقتصادی؛
۴. گرایش بیشتر سفارتخانه ها و نمایندگی های ایران در خارج از کشور به مسائل اقتصادی و تجاری؛
۵. تلاش برای عملی ساختن طرح های اقتصادی و تجاری منطقه ای و بین المللی؛
۶. برقراری ارتباط سازنده و مفید فی مابین وزارتخانه ها و سازمانهای اقتصادی و تجاری کشور با وزارت امور خارجه. «معاونت سیاسی خارجی و روابط بین الملل، ۱۳۸۲: ۱۲۴ و ۱۲۵»

### ضرورت اتخاذ دیپلماسی اقتصادی توسعه محور در راستای ارتقای قدرت ملی

در دوران پست مدرن کنونی، مدیریت مؤثر روابط اقتصادی بین المللی مستلزم مشارکت طرفهای اصلی ذینفع از جمله وزارت امور خارجه و دیگر وزارتخانه های مرتبط با سیاستهای اقتصادی و شرکتها و سازمانهای غیردولتی است. دولتهایی که سیاست خارجی توسعه گرا را دنبال می کنند به این امر اعتقاد راسخ دارند که در اقتصاد جهانی، عناصر و منابعی وجود دارد که می توان از آن برای توسعه اقتصاد داخلی بهره برداری کرد. از این رو سیاست خارجی این دسته از کشورها عموماً ماهیت اقتصادی دارد و در چارچوب دیپلماسی اقتصادی تعریف می شود. در این راستا برنامه چهارم توسعه از دستگاه وزارت خارجه می خواهد تا با کمک به برقراری ثبات منطقه ای، جذب منابع مالی، بهره گیری از موقعیت ژئوپلیتیک کشور و وجود میراث کهن و با ارزش تاریخی- فرهنگی کشور به فعال شدن تمامی ظرفیتهای بالقوه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت توسعه یاری رساند. (باقری دولت آبادی، ۱۳۸۷) همچنین امر شایسته سالاری نمود و تجلی بارزی در فرایند سیاست گذاری و اجرای دیپلماسی اقتصادی دارد. به واقع پی گرفتن دیپلماسی اقتصادی به باور کارشناسان، مستلزم آن است که انبازهای از افراد کاردان در درون حکومت و بخشهای خصوصی وجود داشته باشد تا از چشم اندازی ملی، مسائل اقتصادی و تجاری را ارزیابی و بر سر آن گفت و گو کنند. دیپلماسی اقتصادی، آنگاه شکست خواهد خورد که شمار افراد کاردانی که بتوانند از موضع آگاهی و توانایی گفتگو و مذاکره کنند، کم باشد. (هارون الرشید، ۱۳۸۵: ۱۳۹) عناصر هارمونی و انسجام دهنده تشکیلات و اجزا و پرهیز از بخشی نگری و موازی کاری و مشارکت فعال همه بازیگران اعم از دولتی و غیردولتی در ثمربخشی و کارآمدی دیپلماسی اقتصادی را میتوان در دیپلماسی اقتصادی کشور ژاپن به وضوح دید. در زمینه هدایت مذاکرات خارجی توسط دولت ژاپن همواره میان وزارتخانه های امور خارجه، دارایی و (MITI) بخش خصوصی ژاپن رقابت وجود دارد و در زمینه مسائل بین المللی نیز آثار همکاری و تعامل بخش خصوصی ژاپن را به خوبی میتوان درک نمود و این همکاری تا حد برخورد با اختلافات تجاری میان ژاپن، ایالات متحده و اروپا نیز تداوم می یابد. (علیپور تهرانی، ۱۳۷۲: ۱۲۱ و ۱۲۱) در سند چشمانداز بیست ساله ۱۴۰۴ جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری با نرخ متوسط رشد اقتصادی ۸ درصد برای کشور پیش بینی شده است. در این راستا اقدامات دستگاه سیاست خارجی برای تحقق اهداف سند در قالب سیاستهایی به اجرا گذارده شده از جمله «تئوری نگاه به شرق»

در دولت نهم که روابط دو جانبه و همچنین تقویت همکاریهای منطقه ای را در بر میگیرد. همچنین تقویت روابط دو جانبه با کشورهای آمریکای لاتین نیز از رویکردهای در پیش گرفته شده در دولت نهم است.

### آسیب شناسی دیپلماسی ایران

از نظر برخی صاحب نظران، سیاست خارجی ایران به چندین دلیل نمیتواند در جریان تغییرات قرارگیرد از جمله اینکه سیاست خارجی ایران هنوز بهطور باید و شاید به ساختار اقتصادی تولید ثروت در ایران متصل نیست. در ۱۹ کشورهایی که مهمترین دغدغه حوزه قدرت، تولید ثروت است، سیاست خارجی قابلیت انعطاف پیدا میکند. مثال این امر چین و هند است که منطبق با جهان را بر پایه های نوین بنا نهاده اند. مورد دیگر این است که ماهیت قدرت در نظام جمهوری اسلامی، عقیدتی است و اندیشه اسلامی به طور طبیعی در تقابل با سلطه سرمایه داری و مادی موجود بین المللی است. مورد سوم این مسئله است که تغییر بنیادی در سیاست خارجی ایران، نظم و سامان سیاسی آن را خدشه دار می کند. مورد دیگری که قابل ذکر است این است که منطق مدیریت کلان و میانی تأمین امنیت ملی با جهت گیریهای سیاست خارجی ایران گره خورده است. زیرا تغییر در یک بخش مستلزم تغییر در بخشهای دیگری نیز هست و پیامدهای امنیتی در بردارد. (سریع القلم، ۱۳۸۷ : ۱۸ و ۱۹) البته با اقدامات اخیر وزارت خارجه، احتمال تغییرات مطلوب متصور است. شایان ذکر است از مدتی قبل تغییراتی در سطوح بالای وزارت خارجه شروع شده و این تغییرات تدریجاً در حال تسری به رده های میانی و پایین آن وزارتخانه می باشد. از موارد و مؤلفه های دیگری که در نگاه آسیب شناسانه به دیپلماسی و سیاست خارجی در ایران از سوی صاحب نظران طرح شده، نخبه گرایی تحت تأثیر توده گرایی است که نوعی نخبه گرایی ناقص را پدید می آورد. (متقی، ۱۳۸۵) همچنین جهل دیپلماتیک به معنی آن که بازیگران عرصه دیپلماسی، قانونمندی دیپلماسی را بر نتابیده و فاقد دانش لازم برای آن می باشند و برخاسته از نوعی خود شیفتگی و نارسیم سیاستگذاران عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی است، که یکی دیگر از چالشها می باشد.



## نتیجه گیری

در پایان میتوان نتیجه گرفت در عصر جهانی شدن دیپلماسی یکی از مهمترین ابزارهای ارتقای قدرت ملی کشورهاست. تحولات عصر جهانی شدن با گسترش آگاهیها و اطلاعات، باعث حضور بخشهای خصوصی، غیردولتی، گروهها و افراد در کنار دولتها به منظور بهره گیری و انتفاع بیشتر در عصر جهانی شدن شده و ارتباطات و تعاملات را بسیار پیچیده و درهم تنیده کرده است. این پیچیدگیها و درهم تنیدگیها، عرصه رقابت را تنگ تر نموده و موجبات دانش محورتر و هدفمندتر شدن دیپلماسی را فراهم نموده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان ۲۰ یک کشور مهم با رعایت یکسری قواعد و اصول و با روی آوردن به سیاست خارجی توسعه محور و با اتخاذ دیپلماسی فعال و منفعت محور میتواند از فرصتهای موجود در نظام جهانی بهره برداری مضاعف نموده و آنرا در راستای ارتقای قدرت ملی و رفاه عمومی شهروندانش بکار گیرد. اما آنچه اکنون شاهد هستیم و از توصیفها، تحلیلها و واقعیات حاصل میشود آن است که گرچه گامهای بزرگی در راه تغییرات بنیادی سیاست خارجی برداشته شده معهدنا هنوز تحول جدی در دستگاه دیپلماسی صورت نگرفته و همچنان رویکردهای محافظه کارانه و کمتحرک و عدم شناخت حقایق و واقعیات جهانی چه در بعد فکری و چه سازمانی حاکم بوده که کمرنگ سازی و فقدان عناصر محرک و خلاق، پویایی، رقابت جویی، کارآمدی، نگرش توسعه مدار و سیطره شایسته سالاری را بازتاب داده و دال بر سیکل بسته سیر امور در دایره روزمرگی ها، بخشینگری و فقدان عناصر فرا بخشی و تعامل سازنده اجزای دستگاه سیاست خارجی میباشد. همانطور که در متن اشاره شد امروزه حضور قدرتمند و منفعت محور در عرصه رقابت جهانی، حاصل کار جمعی وزارتخانه های مختلف به عنوان دولت در کنار بخشهای خصوصی، شرکتهای و بنگاههای تولیدی و صادرکنندگان میباشد. در مجموع، مشکلات موجود در سیاست خارجی و عدم شناخت کافی از تحولات صورت گرفته در حوزه دیپلماسی و جهان متغیر پیرامونی و معطل ماندن بسیاری از قابلیتها و پتانسیلهای ژئوراهبردی، ژئوکالچرال و ژئواکونومیک کشور که به نوعی در مرکز بیضی راهبردی هیدروکربنی جهان در خاورمیانه قرار گرفته شده، چشم انداز ضعیف و غیرقابل قبولی را ترسیم می کنند. پیشنهادات راهبردی: باتوجه به آنچه در فرازهای فوق مورد بحث قرار گرفت، تجزیه و تحلیل راهبردی موضوع مذکور به شرح زیر میباشد.

۱. غالب شدن رویکرد تغییر و تحول بنیادی و ریشههای در دستگاه سیاست خارجی کشور و تدوین سند راهبردی دیپلماسی کشور به عنوان جزء مکمل سند چشم انداز بیست ساله کشور به عنوان اولویت یکم دستگاه سیاست خارجی؛

۲. در کنار توجه به نیروهای فرو ملی و فرا ملی و ارتقای همکاری با آنها و زمینه سازی و بسترسازی برای گسترش فعالیتهای بخش خصوصی و کمک به آن با فراهم سازی بانک اطلاعاتی از کشورهای دیگر و یافتن بازارهای بالقوه که سبب توسعه صادرات و ارزآوری به کشور میگردد؛

۳. اعمال یک مدیریت توانمند بر سیاست خارجی با رویکردی برون نگر و تعاملی در راستای ارتقای قدرت ملی و رفاه عمومی؛

۴. فراهم کردن ساز و کار لازم برای ایجاد اجماع ملی بین نخبگان در سطح کلان و هماهنگی آنان با دیپلماسی کشور و رصد کردن عرصه جهانی به منظور بهره برداری از فرصتهای نوظهور؛

استفاده از ابزارهای آموزشی و پژوهشی در راستای بومی کردن سیاست خارجی تعامل محور و فرصت ساز در عرصه جهان متغیر

کنونی.

## منابع و مراجع

- [۱] اطاعت، جواد(۱۳۸۷)؛ نفت و نظام بین الملل، ماهنامه صنعت و توسعه، سال سوم، شماره بیست و چهارم، دی ۱۳۸۷.
- [۲] اکبری، علیرضا(۱۳۸۵)؛ تعامل برتر منطقه ای، رکن محوری راهبرد سیاست خارجی بر پایه سند چشم انداز، مجموعه مقالات همایش سند ملی چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵
- [۳] اکبریان، رضا(۱۳۸۲)؛ جهانی شدن و ویژگیهای سیاسی و اقتصادی آن، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۴، ۱۹۶-۱۹۵.
- [۴] ایوانز، پیتر(۱۳۸۲)؛ نقش دولتها در توسعه صنعتی، ترجمه: منوچهر توسلی جهرمی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره، ۱۳۸۲، ۱۹۰-۱۸۹.
- [۵] بزرگی، وحید محمدرضا، عابدین،(۱۳۸۷)؛ چارچوبی برای بررسی و تدوین دیپلماسی تجاری در دوران جهانی شدن و وابستگی متقابل، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۱۳۸۷، شماره ۸، ۲۴۷-۲۴۸.
- [۶] باقری دولت آبادی، علی(۱۳۸۷)؛ سیاست خارجی توسعه گرا، تعامل به جای تقابل، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۳ و ۳۱، آبان و آذر ۱۳۸۷.
- [۷] بیات، محمود(۱۳۸۵)؛ دیپلماسی دیجیتالی، چ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۵.
- [۸] تلیس، اشلی و دیگران(۱۳۸۲)؛ سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.
- [۹] جلال آبادی، اسدالله(۱۳۸۵)؛ موانع پیش روی سرمایهگذاری در سند چشمانداز بیستساله کشور، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشمانداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵.
- [۱۰] حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۵)؛ قدرت و منافع ملی(مبانی، مفاهیم و روش های سنجش)، چ اول، تهران: نشر انتخاب.
- [۱۱] دهشیری، محمدرضا(۱۳۸۶)؛ دیپلماسی غیردولتی، پیشنهاد یک راهکار جدید برای سیاست خارجی ج.ا.ا، همشهری دیپلماتیک، شماره هفتم، نیمه مهر ۸۵.
- [۱۲] دهقانی فیروزآبادی، جلال(۱۳۸۰)؛ ضرورت تحول دیپلماسی ایران در جریان متحول، حیات نو سیاسی، آبان ۱۳۸۰.
- [۱۳] دهقانی فیروزآبادی، جلال(۱۳۸۲)؛ الزامات سیاسی خارجی توسعه ملی در چشم انداز بیست ساله ایران، رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- [۱۴] سریع القلم، محمود(۱۳۸۷)؛ فضیلت تداوم نگاهی به سیاست خارجی ایران پس از انتخاب اوباما، همشهری دیپلماتیک، شماره سی و یک، آبان و آذر ۱۳۸۷.
- [۱۵] سریع القلم، محمود(۱۳۸۴)؛ ایران و جهانی شدن، چ اول تهران: مرکز تحقیقات راهبردی، ۱۳۸۴.
- [۱۶] سیف زاده، سید حسین(۱۳۸۴)؛ سیاست خارجی ایران، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
- [۱۷] سیف زاده، سید حسین(۱۳۸۵)؛ سیاست خارجی ایران در چشم انداز برنامه بیست ساله، مجموعه مقالات به کوشش نشرین مصفا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۵.
- [۱۸] سجادیپور، سید کاظم(۱۳۸۳)؛ چارچوب های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۳.
- [۱۹] سیمیر، رضا(۱۳۸۵)؛ کار و ویژههای دیپلماسی مدرن در روابط بین المللی: تأثیرگذارها و تأثیرپذیرهای متقابل، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵.
- [۲۰] معاونت پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی، آسیب شناسی دیپلماسی رسانهای در ایران، مرکز تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵.
- [۲۱] شیخ عطار، علیرضا(۱۳۸۵)؛ همراهی دیپلماسی و اقتصاد، جایگاه دیپلماسی اقتصادی در همکاریهای منطقه ای جمهوری اسلامی، همشهری دیپلماتیک، شماره سوم، نیمه خرداد ۱۳۸۵.
- [۲۲] علیپور تهرانی، بهزاد(۱۳۷۲)؛ مکانیزم ارتباطی دولت و بخش خصوصی و ظهور بنگاههای عظیم صنعتی و بازرگانی در ژاپن، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۲.
- [۲۳] فاخری، مهدی(۱۳۸۲)؛ سازمان تجارت جهانی و سیاست خارجی ج.ا.ا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- [۲۴] فرانکل، ژوزف(۱۳۸۲)؛ روابط بین الملل در جهان متغیر، ترجمه: عبدالرحمان عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۲.
- [۲۵] قادری، حاتم(۱۳۸۶)؛ ایران، تلاش برای بقا، مجموعه مقالات همایش ایران در قرن ۲۱، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۶.

- [۲۶] روحانی، حسن (۱۳۸۲)؛ راهبرد ج.ا.ا. در قبال فرسایش حاکمیت دولتها، فصلنامه راهبرد، شماره بیست و نهم، پاییز.
- [۲۷] وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۶)؛ تغییر در عرصه سیاست بین الملل و دگرگونی ماهیت دیپلماسی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
- [۲۸] وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۶)؛ فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۸۶، شماره مسلسل ۲۸ . ۲۳ .
- [۲۹] طباطبایی، سید علی (۱۳۸۴)؛ بایسته های دیپلماسی اقتصادی، ماهنامه برداشت اول، سال سوم، شماره بیست و یکم .
- [۳۰] گروه اقتصادی، افسانه دیپلماسی اقتصادی، روزنامه اعتماد، شماره ۱۴۸۹. مورخه : ۱۳۸۶/۶/۲۱ .
- [۳۱] ماجدی، علی (۱۳۸۴)؛ نگاهی به چالشهای عمده جهانشدن در ایران، روزنامه شرق، سال سوم، شماره ۶۷۱، ۱۸ دی .
- [۳۲] معاونت سیاسی خارجی و روابط بین الملل، ایران، دیپلماسی اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد، فصلنامه راهبرد، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۸۲ .
- [۳۳] مبینی، علی و محسن رضایی (۱۳۸۵)؛ ایران آینده در افق چشم انداز ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵ .
- [۳۴] متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)؛ رویکردهای نخبگان در فرایندهای سیاست خارجی ج.ا.ا.، مجموعه مقالات به کوشش نسرين مصفا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۸۵.
- [۳۵] متقی، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ برگشت پذیری مرحلهای در سیاست خارجی ایران، متن مقاله ارائه شده در کنفرانس سیاست خارجی توسعه گرا، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، اسفند ۱۳۸۶ .
- [۳۶] نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۳)؛ راهبرد توسعه صنعتی کشور، چ اول، تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۳ .